

تداوم حیات نماد کوه و درخت
در هنر تصویری کهن ایران و
نمود آن بر فرش‌های معاصر
ایرانی



آویزچایی کتان، نیمه دوم سده سیزدهم
ه.ق، ماخذ: بیکر، ۱۴۷، ۱۳۸۵



تداوم حیات نمادکوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی

حسین عابد دوست * زیبا کاظم پور **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۷

چکیده

در ایام کهن چنین تلقی می‌شد که درختان مقدس با نیروی نهفته در خود، زندگی انسانی و حیوانی را رشد می‌دهند و به همین دلیل مورد ستایش قرار می‌گرفتند. در بررسی و مطالعه اسطوره‌ها، می‌خوانیم درخت زندگی و میوه آن که باعث حیات جاوید می‌شود و درخت کیهانی که در مرکز جهان قرار دارد، همواره در ارتباط با کوه یا سنگ مقدس بیان می‌گردد. با توجه به این موضوع در برخی آثار هنری و فرش‌های معاصر ایرانی درختانی مرتبط با کوه یا سنگ تصویر شده‌اند. پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این پرسش بوده که درخت قرار گرفته بر فراز نگاره مثلثی شکل در بعضی از فرش‌های معاصر ایرانی که قدمتی نزدیک به یک قرن دارد چرا به عنوان طرح درخت زندگی شناخته می‌شده و نمونه‌های مختلف تصویری این دو نماد در فرش معاصر ایران کدام است. به این دلیل ضمن بررسی مفهوم اسطوره‌ای ارتباط درخت و کوه در اساطیر ایرانی، نمود آن‌ها در آثار هنری باستانی و دوره اسلامی تحلیل و سپس در فرش‌های معاصر ایرانی نیز بررسی شده است. روش تحقیق این پژوهش تحلیلی - تاریخی و روش گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. بر این اساس درخت زندگی در اسطوره‌های ایرانی همواره با کوه مقدس پیوند داشته است. این موضوع از دوران کهن در آثار تصویری هنری ایران و در برخی فرش‌های معاصر نیز مشاهده می‌شود؛ در این فرش‌ها اغلب نقشمایه کوه به شکل مثلثی متشکل از نگاره‌های دالبری شکل، همراه با درختی در راس ترسیم شده که پرندگان و حیوانات اسطوره‌ای محافظان آن می‌باشند. در برخی موارد درخت سرو، گاه با شاخ و برگ فراوان و گاه به شکل هندسی بر روی مثلثی قرار دارد. این قالب تصویری از دوران کهن در ایران شناخته شده است. مطابقت‌های تصویری نشان می‌دهد تصویرگری کوه و درخت در فرش‌های معاصر ایران تداوم همان سنت‌های تصویری کهن این دو نماد است. مطالعات اسطوره‌ای نشان می‌دهد مفهوم برکت، باروری و تجدید حیات و تجسم نیروهای زندگی بخش یکی از عمیق‌ترین مفاهیم این نوع نقش‌پردازی است.

واژگان کلیدی

نماد، کوه، درخت، فرش، ایران.

* دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران
Email: hossienabeddoost@yahoo.com

** کارشناسی ارشد پژوهش هنر، مدرس دانشگاه هنر اصفهان، شهر اصفهان، استان اصفهان
Email: zkazempoor@yahoo.com

مقدمه

درخت همواره در فرهنگ‌های مختلف به‌عنوان یکی از کهن‌ترین نمادها مورد توجه و ستایش قرار داشته و دارد. دلیل این تقدس حیات بخشی، قدرت رشد، تجدید حیات گیاه و سودمندی آن است. درخت مقدس همواره با آب حیات بخش به‌عنوان منبع حیات مورد ستایش قرار می‌گرفت. مجموعه درخت و آب حیات، از آن‌جا که مرکزی مقدس را ایجاد می‌کند جزء سومی را به‌یاد می‌آورد و آن کوه مقدس است. کوه یا سنگ مقدس که مرکز تلقی می‌شود و به‌همین دلیل، محل تمرکز قدرت‌های حیات بخش است با دو عنصر درخت زندگی بخش و آب حیات مرتبط است و این ارتباط به‌شکل نمادین در اسطوره‌ها به‌تصویر کشیده شده و اسطوره‌ها جایگاه حضور و ظهور نمادها هستند. به‌همین دلیل می‌توان از آن‌ها در رمزگشایی نمادها یاری جست. در برخی از نقش‌های ایرانی که متخصصان آن‌ها را با نام طرح درخت زندگی می‌شناسند، نقشمایه کوه به‌شکل نگاره‌ای مثلثی شکل متشکل از نقشمایه‌های دالبری بازنمایی شده و درختی در راس آن قرار گرفته است.

این تحقیق در پی بررسی ریشه‌های تاریخی و فرهنگی این نقش در هنر و فرهنگ تصویری ایران است. لازم به‌بیان است در آثار هنری ایران از دوران باستان ارتباط نمادین کوه و درخت به‌ویژه در آثار مربوط به شوش دیده می‌شود و پژوهشگرانی همچون اکرم‌ن آن را ماه درخت (مرتبط با هوم درخت زندگی در اسطوره‌های ایرانی) توصیف کرده که درختی مقدس است. تداوم این ارتباط نمادین در آثار هنری دوره‌های مختلف هنر ایران و به‌ویژه در فرش‌های ایرانی به‌چشم می‌خورد. به‌این ترتیب می‌توان درخت قرار گرفته بر نقشمایه کوه را بر گرفته از نیای کهن اسطوره‌ای آن، درخت زندگی معرفی کرد و از نظر شیوه تصویرگری، ادامه همان سنت تصویرگری، دانست. گویی نقش درخت و کوه در برخی فرش‌های معاصر ایرانی، مرکزیت مقدس را تداعی می‌کند که مرتبط با مفهوم فلسفی دینی منشاء حیات، باروری و برکت است.

مقاله پیش‌رو ابتدا به بررسی مفهوم اسطوره‌ای درخت و کوه در اسطوره‌های ایرانی می‌پردازد، سپس با ارائه نمونه‌هایی از آثار هنری و نمونه‌های موجود بر فرش‌های ایرانی، تداوم حیات این کهن‌الگور بیان می‌نماید. از سه نمونه کهن برای ارائه ریشه تاریخی و چگونگی تصویرگری این دو نماد در هنر باستانی ایران استفاده شده و برای بیان تداوم این قالب‌های تصویری در دوره اسلامی، پنج نمونه تصویری از نگاره‌ها و پارچه‌های اسلامی انتخاب شده که ارتباط کوه و درخت را نشان می‌دهند. فرش‌های مورد استناد بیش‌تر متعلق به اواخر سده سیزدهم هجری شمسی و متعلق به قرن اخیر است. دلیل انتخاب این هشت نمونه شباهت آن‌ها با نمونه‌های کهن تصویرگری دو نماد کوه و درخت است.

ارتباط کوه و درخت در اسطوره‌ها

کوه و سنگ، یکی از کهن‌ترین اجزای صحنه‌های مقدس



تصویر ۱- نماد کوه در خط ابتدایی ایلامی، ماخذ: هرتسفلد، ۱۳۸۱، ۴۳



تصویر ۲- درخت سرو میانی بر روی کوه، مهری از شوش، هزاره سوم ق.م، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۳۶۷

است. روایت‌های اسطوره‌ای و به‌ویژه اسطوره‌های ایرانی نشان می‌دهند که پیوند درخت مقدس، درخت زندگی و درخت کیهانی با سنگ یا کوه مقدس، یک کهن‌الگوی شناخته شده در بین ملل مختلف است. «کهن‌ترین مکان مقدس که می‌شناسیم جزئی از عالم صغیر است یعنی منظری از سنگ و آب و درخت». (الیاده، ۱۳۸۵، ۲۶۳) الیاده از این پیوند به‌عنوان مرکز توتمی یاد می‌کند. «پیوند درخت، سنگ-کوه و آب سه جزء منظره مقدس‌اند. این سه عنصر مهم، به‌طور گسترده‌ای با ایزدانوی بزرگ مربوط بود، درخت زندگی، آب زندگی و ستون مقدس. این سه جنبه در گستره وسیع خاورمیانه کهن، مصر و شرق مدیترانه گسترش یافته بود». (James, 1966, 33) ارتباط ایزد بانوی بزرگ به‌عنوان منشاء آفرینش و نماد باروری با آب‌های مقدس و درخت زندگی و سنگ یا کوه مقدس نیز دیده می‌شود. «در ایران خدا بانو، آردویسور آناهیتا، آب‌های توانمند بی‌آلایش، خاستگاه همه آب‌های روی زمین است» (هیلتن، ۱۳۸۵، ۷۹) و دریای فراخکرد مرکز این آب‌ها، مرتبط با درخت بس تخمه و درخت گوگرد درخت زندگی است.

در بندهش بخش نهم بند ۱۱۶ ارتباط آناهیتا ایزد بانوی بزرگ با درخت کیهانی و درخت زندگی که منشاء حیات و مایه زندگی جاودانی هستند، مطرح شده است. (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵، ۸۷)

بنا بر بند ۱۵۱ بندهش، بخش نهم، ارتباط درخت ایزد بانوی بزرگ و کوه مقدس را می‌توان مطرح کرد. «درخت بس تخمه میان دریای فراخکرد رسته است و تخم همه گیاهان بدو است. باشد که (او را) نیکو پزشک، باشد که همه پزشک خوانند. در (زیر) تنه آن نه کوه آفریده شده است، آن کوه سوراخ مند، نه هزار ونهصد و نود و نه بیورجوی در آن کوه (به صورت) راه آبی آفریده شده است». (همان، ۱۵۱) «درخت زندگی در مرکز عالم واقع است و مربوط به محل شناسی اسطوره‌ای



تصویر ۴ - صفحه حکاکی شده از سلسله اور، ماخذ: Britanica، 1999، 61



تصویر ۳ - ظرف ساسانی، ماخذ: همان، ۱۰۹۶

ایران، از کهن‌ترین ایام پی‌گیری کرد. هر تسفلد نشانه‌های پولک مانند را که بر روی هم قرار گرفته‌اند، در خط ابتدایی ایلامی نشانه کوه می‌داند. (هر تسفلد، ۱۳۸۱، ۴۳) (تصویر ۱) این نشانه‌های تصویری که نشان دهنده کوه هستند، در آثار هنری دوره‌های مختلف همراه با درخت و محافظان اسطوره‌ای تکرار می‌شوند، مانند آنچه در مهر ایلامی به چشم می‌خورد. به نظر اکرمین «درختی از تیره مخروطی برگریز که بر روی کوهی قرار دارد، نماینده ماهدرخت است» (پوپ، ۱۳۸۷، ۳۱۲۴) ماهدرخت خود شکلی از درخت زندگی است که منشأ حیات و همراه با مفهوم برکت و باروری است.

بزرسانانی که درخت را احاطه کرده‌اند و نشانه صلیب شکل که بر فراز آن قرار گرفته، تاکیدی است بر باز آفرینی یک صحنه مقدس. این مهر پیوندهای مقدس سه گانه ای را نشان می‌دهد که همواره با مفهوم برکت و باروری و فراوانی همراه بوده است. این مهرها متعلق به اوایل هزاره سوم پ.م هستند. (همان، ۱۳۸۷، ۳۱۲۴) (تصویر ۲)

در بخشی از یک ظرف ساسانی دو بز درختی را در میان گرفته‌اند که بر روی نشانه‌های دالبری مانند، نماد کوه قرار دارد. (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۰۹۶) (تصویر ۳) آنچه در مهر ایلامی دیده شده بود در دوره‌های متاخرتر به عنوان یک الگوی تصویری تکرار شده است. بزهایی که درختی را احاطه کرده‌اند بر کوهی قرار گرفته و در بین‌النهرین نیز دیده می‌شوند. این اثر متعلق به سلسله سلطنتی اور ۱ هزاره سوم ق.م است. (Britanica، 1999، 61) (تصویر ۴) و ترکیب مشابه آن در شوش هزاره سوم ق.م بر روی مهرها ظاهر می‌شود. (پوپ، ۱۳۸۷، ۳۶۸) تعیین این که این ترکیب ابتدا در ایلام ظاهر شده و یا در اور ممکن نیست، تنها می‌توان گفت این نقوش به صورت هم‌زمان در دو منطقه وجود دارد.

است. الیاده اصلی شرقی را برای این ارتباط مقدم می‌داند و می‌نویسد: «در بین‌النهرین، غالب اوقات درخت برقله کوهی در مرکز زمین روییده است» (الیاده، ۱۳۸۵، ۲۸۵)

در روایات و سنن دیگر ایرانی نیز هومه زمینی (هوم زرد رنگ) که بسان سومه متون ودایی (هوم سپید) گاه گیاه و گاه همچون چشمه تصویر شده است، در کوهستان‌ها می‌روید. هورامزدا آن را در آغاز بر کوه هرائیتی کاشت (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۵۳) در هوم یشت‌ها ۱۰، بند ۱۰، چنین توصیف شده: «ترا ای دلیر آفریده دادار، خداوندگار هنر بر البرز کوه فرو نشاند» و در بند ۱۱ چنین ادامه می‌دهد: «پس آن گاه مرغی پاک و آزموده، ترا به هر سو بپراکند. در (میان) سستیغ‌های کوه» (همان، ۵۳) «صورت آسمانی آن، هوم سپید یا درخت گئوکرنه است که موجب بی‌مرگی و جاودانگی است و در سرچشمه اردویسورا، در دریاچه و روکش میان هزاران گیاه در مانبخش روییده است» (قلی زاده، ۱۳۸۸، ۴۵۴)

در این متون به زیبایی ارتباط درخت زندگی و کوه به عنوان مرکز و منشأ مقدس اشاره شده است. همچنین می‌توان گفت اسطوره‌ها و متون مکتوب کهن، ریشه‌های پیدایش برخی نقوش در آثار هنری را نشان می‌دهند. با توجه به این متون، نقوشی که در دوره‌های مختلف بر روی آثار تکرار می‌شوند با مفاهیمی نمادین همراه هستند و پیدایش آن‌ها فقط به منظور تزئین نبوده است. هر چند در مواردی ممکن است به عنوان تزئین هم به کار رفته باشند اما ریشه‌های نمادین و فرهنگی آن‌ها هم چنان پویا و در پس این نقشمایه‌ها نهفته است.

تداوم حیات دو عنصر کوه و درخت و مفاهیم آن در طول تاریخ تصویری هنر ایران (الف - دوره باستان)

کوه یکی از عناصر کیهانی است که همواره با درخت مرتبط است. ارتباط کوه و درخت را می‌توان در آثار هنری

تداوم حیات نماد کوه و درخت
در هنر تصویری کهن ایران و
نمود آن بر فرش‌های معاصر
ایرانی



تصویر ۶- شاهنامه اصفهان سده ۱۱ ه.ق، ماخذ: همان، لوح ۹۲۳



تصویر ۵- درخت بر فراز تپه، شاهنامه، مکتب هرات، حدود ۸۴۴ ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷



تصویر ۸- شمال ابریشمی، سده ۱۱ و ۱۲ ه.ق، ماخذ: بیکر، ۱۳۸۵، ۱۲۱



تصویر ۷- پارچه ایرانی، سده ۱۱ ه.ق بافت مشهد، ماخذ: همان، ۲۴۵۱

داشته و هنرمندان در دوره ساسانی این نقشمایه‌ها را به‌طور آگاهانه و همراه با مفهوم نمادین آن به‌تصویر کشیده‌اند. پس قبل از دوره اسلامی این نقشمایه به‌شکلی به‌کار رفته که زمینه‌های فرهنگی و دینی آن در جامعه وجود داشته است.

تداوم حیات دو عنصر کوه و درخت و مفاهیم آن در طول تاریخ تصویری هنر ایران (ب- دوره اسلامی)

ارتباط کوه- درخت به‌عنوان یک کهن‌الگو را می‌توان در آثار دوره اسلامی نیز مشاهده کرد. این مساله نشان می‌دهد، این صورت کهن در سیر هنر ایران حیات خود را حفظ کرده است. شکلی از این ارتباط در نگاره‌های ایرانی تداوم می‌یابد به‌طوری که غالباً درخت بر صخره‌ای تصویر

مجموعه تصاویر مورد استناد در این بخش گویای این است که درخت اسطوره‌ای معروف به درخت زندگی، همراه با کوه مقدس و محافظانش به‌عنوان یک الگوی شناخته شده در هنر ایران، از دوره ایلام تا دوران ساسانی هم چنان متداول بوده و می‌توان این دو نماد را در یک قالب تصویری مشخص پی‌گیری کرد. کوه به‌شکل مثلثی با نشانه‌های دالبری و درخت که گاه سرو و گاه شاخ و برگ دار است، در راس مثلث قرار دارد. این دو نماد همواره توسط دو حیوان یا دو گیاه احاطه شده است.

با توجه به آنچه اشاره شد، در می‌یابیم در دوره ساسانی اعتقاد به درخت زندگی در ارتباط با کوه و آب مقدس وجود



تصویر ۱۰- قالی افشار، شهر بابک، سده ۱۳ ه.ش، ماخذ: گلدک ۳۴۴، ۱۳۵۵



تصویر ۹- آویز چاپی، کتان، نیمه دوم سده سیزدهم ه.ق، ماخذ: همان، ۱۴۷۰



تصویر ۱۱- قالی شهر بابک، ۱۳۳۹، ۲۰×۱۶۸ سانتی متر، ماخذ: گانزروندن، ۱۹۷۸، ۴۷۱

می‌شود. (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۹۱) در نگاره‌ای از شاهنامه مکتب هرات حدود ۸۴۴ ه.ق، سیمرغ زال را برای پدرش سام باز می‌آورد، در این نگاره درخت بر صخره‌ای قرار گرفته است. (پوپ، ۱۳۸۷، لوح ۸۷۶) (تصویر ۵) به همین ترتیب در شاهنامه متعلق به مکتب اصفهان، نیمه سده ۱۱ ه.ق در صحنه دیدار اسکندر، خضر و الیاس بر آب حیات، رقم معین مصور، تک درخت بر بالای صخره سنگی قرار گرفته است.

تاکید بر آب حیات در این نگاره نشان می‌دهد، محل تصویر شده مکانی مقدس است و از ارتباط کهن الگویی درخت زندگی و آب حیات می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که درخت ایستاده بر صخره بالایی، درختی مقدس است.

در هر صورت رابطه درخت، صخره و آب حیات در این نگاره تصویر شده است. (همان، لوح ۹۲۳) (تصویر ۶) این نقشمایه بر روی پارچه ایرانی کار شده و احتمالاً بافت مشهد است. (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۹۱) (تصویر ۷) در این پارچه و دو نگاره (تصویر ۵ و ۶)، درخت و کوه به طور واقع‌گرایانه تصویر شده، اما در تکه‌ای از شمال کمر ابریشمی، احتمالاً متعلق به دوره صفوی، سده یازدهم و دوازدهم هجری قمری، گیاه گل‌دار بر روی نشانه‌های دالبری قرار گرفته است. این نشانه‌ها همان نمادهای باستانی کوه هستند که نمونه آن در خط عیلامی قابل مشاهده است. (بیکر، ۱۳۸۵، ۱۲۱) (تصویر ۸)

تداوم حیات نماد کوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی



تصویر ۱۳- قالی نورآباد، تقریباً ۱۳۴۰ ه.ش، ماخذ: کاظم پور، ۱۳۵۱، ۱۳۸۹



تصویر ۱۲- پارچه قلم‌کار بروجن، ۱۳۷۷ ه.ش، ۱۱۴×۱۷۱ سانتی‌متر، ماخذ: گل‌دک، ۱۳۵۵، ۱۸۸

بررسی تصاویر کوه و درخت و ارتباط آن‌ها در فرش‌های معاصر ایرانی

تابه این جا از نشانه‌های دالبری پولک مانند که بر روی هم قرار گرفته‌اند به عنوان نماد کوه نام برده شد و سپس تداوم حیات این نشانه در همراهی با درخت از اوایل هزاره سوم ق.م تا دوره اسلامی، بر اساس آثار مورد بررسی گردید. به همین دلیل می‌توان گفت طرح‌هایی که در برخی از فرش‌های معاصر ایران نشانه مثلثی شکل همراه با درخت مرکزی و حیوانات محافظ را به تصویر کشیده‌اند، درخت زندگی و نماد کوه مقدس را نشان می‌دهند. نشانه‌های دالبری شکل که بر روی هم قرار گرفته قالبی مثلثی را تشکیل می‌دهند و درخت سرو یا درخت چند شاخه بر فراز آن دیده می‌شود. این در حالی است که دو گیاه به شکل متقارن از دو سوی ریشه درخت رشد کرده و بزسانان و پرندگان آن را احاطه کرده‌اند.

این قالب تصویری پس از سالیان سال، همچنان ادامه داشته و به شکل پویایی بر روی فرش‌های معاصر ایرانی تکرار می‌شود. می‌توان گفت این تصاویر تکرار همان نقشمایه‌های اسطوره‌ای کهن است که خواه آگاهانه و یا ناآگاهانه بر روی فرش‌های معاصر ایرانی ترسیم و به شکل یک سبک و قالب شناخته شده در فرش ایران باقی مانده و از آن‌ها با نام درخت زندگی یاد می‌شود.

صریح‌ترین شکل ارتباط درخت و کوه را می‌توان در

نقشمایه درختی که بر روی نشانه‌های دالبری دیده می‌شود و هر تسفقد آن را در خط ایلامی آغازین نشانه کوه می‌داند، بر روی پارچه‌های قلم‌کار سده سیزدهم و نمونه‌های چاپی نیمه دوم قرن معاصر نیز قابل مشاهده است.

مشابه این طرح‌ها در آثار هنری این دوره بسیار تکرار شده است. تصویر ۹، درخت سروی ایستاده را نشان می‌دهد که ساختاری مثلثی شکل دارد و در طرفین آن دو درخت سرو با گلدان قرار گرفته‌اند و دو طاووس و دو شیر به شکل قرینه در اطراف درخت مرکزی نقش پرداز می‌شده‌اند. (همان، ۱۴۷،

در این طرح ترکیب‌های سه تایی درخت میانی و دو طاووس، عنصر آسمانی و پرنده‌هایی وجود دارند که بر فراز درخت سرو میانی قرار گرفته‌اند. درخت میانی و دو شیر، درخت میانی و دو درخت سرو کناری، همه ترکیب‌های سه تایی را تشکیل می‌دهند.

در این نوع ترکیب‌ها نمادهای دالبری به شکل مثلث نماد کوه و درخت ایستاده بر راس آن درخت زندگی است، حیواناتی که در طرفین درخت تصویر شده‌اند، محافظان اسطوره‌ای درخت مقدس هستند که منشأ حیات و زندگی به شمار می‌روند.

تکرار این گونه تصاویر را می‌توان تقلید یک الگوی کهن نمادین و به شکل تزئینی تلقی کرد.



تصویر ۱۵- قالی ملایر، سده ۱۳ ه. ش. ماخذ: کاظم پ و ر، ۱۳۸۹، ۱۵



تصویر ۱۴- قالی ساروق- فراهان، اواخر ۱۳ ه. ق، ۲۰۲×۱۳۶ سانتی متر، ماخذ: دادگر، ۱۳۸۰، ۱۶

در این نمونه یکی از کهن‌ترین سنت‌های تصویرگری درخت‌زندگی وجود دارد که نشانه‌های دالبری به زیبایی بر فراز هم قرار گرفته‌اند و درخت سرو به شکل نمادین و تقریباً واقع‌گرایانه طراحی شده، اما هندسی نیست. از طرفی درخت در میان محراب قرار دارد و حضور درخت در محراب، یکی از دلایلی است که می‌توان آن را درخت‌زندگی نامید. در این پارچه، درخت سرو در راس کوه قرار دارد. طاووس‌ها و درختان دو طرف آن را احاطه کرده و در پایین صحنه جهش شیر بر گرده آهو نقش‌پردازی شده که این نقشمایه نمادین خود تاکیدی است بر لحظه رویش حیات گیاهی و مفهوم برکت، باروری و فراوانی (عابد دوست، ۱۳۹۰، ۳۱۴)

درخت نماد فراوانی و در قسمت مرکزی محراب قرار دارد و به نظر می‌رسد از نظر مفهوم شباهت بسیاری با دو نمونه قبل دارد، اما با طراحی متفاوتی ظاهر شده است. نمونه دیگر یکی از قالی‌های ایللی-لری، نور آباد است. این نقش یادآور ارتباط درخت کیهانی و سنگ و کوه است. (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۱۳۵) (تصویر ۱۳) در این نمونه کوه به شکل صخره‌ای با خطوط شکسته طراحی شده و درخت سرو بر فراز آن قرار دارد. محافظان اسطوره‌ای این درخت بزسانان، پرندگان و گیاهان انتزاعی است. در نمونه قالی‌هایی که تاکنون نشان داده شد، درخت میانی (درخت سرو) با آرایه‌های گیاهی تزئین شده و در تنه درخت معمولاً نشانه‌ای قرار می‌گیرد که از دو پرده

قالی افشار از شهر بابک مشاهده کرد. (تصویر ۱۰) درختی که در نمونه‌های باستانی به شکل سرو مخروط یا درخت چند شاخه و واقع‌گرایانه ترسیم شده بود، در این جا به شکل درخت سرو هندسی و زاویه‌دار طراحی شده و این ساختار هندسی‌گونه در کوه نیز به چشم می‌خورد. کوه مقدس در میانه فرش قرار دارد و درخت مقدس به شکل مخروطی بر راس آن قرار گرفته است. پرندگان، حیوانات و گیاهان محافظان اسطوره‌ای این درخت هستند.

دو گیاه رونده در دوسوی درخت قرار دارند. دو ردیف گیاه برگ‌دار که پرندهای بر فراز آن نشسته در دو سوی حاشیه قالی قرار گرفته و دو گوزن در پای کوه تصویر شده‌اند و سراسر قالی مملو از نقشمایه‌های پویا است. نشانه‌های فراوانی در طراحی زمینه قالی با حضور نقشمایه‌های کوچک به چشم می‌خورد. نمونه مشابه دیگر این قالی از شهر بابک در تصویر ۱۱، دیده می‌شود. (گانزروتن، ۱۹۷۸، ۴۷۱) در این قالی برخلاف نمونه قبلی کوه در بالا و پایین درخت قرار دارد، این تمهید باعث شده قالی دو سویه به نظر برسد و قسمت‌های بالا و پایین آن مشخص نباشد.

نگاره‌های گیاهی، طاووس‌ها و دیگر پرندگان نیز به شکل هندسی طراحی شده‌اند. تکرار این نوع نقش‌پردازی را می‌توان بر روی پارچه قلمکار بروجد به تاریخ ۱۲۷۷ ه. ش، مشاهده کرد. (گل‌دک، ۱۳۵۵، ۱۸۸) (تصویر ۱۲)

تداوم حیات نماد کوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی



تصویر ۱۷ - گلیم کرد قوچان، اواخر سده ۱۳ ه.ش، ماخذ: همان، ۱۶۷



تصویر ۱۶ - قالی چهارمحال و بختیاری، طرح خشکی، اواخر سده سیزده ه.ش ماخذ: Opie, 1998, 146



تصویر ۱۷ ب



تصویر ۱۷ الف

تصویری کهن و تداوم حیات نشانه‌های تصویری کوه و درخت به خوبی آشکار است.

اگر نشانه مثلثی شکل را که بر آن گیاه یا درخت انتزاعی قرار دارد، نماد کوه یا سنگ فرض کنیم، بر مبنای عقیده از کوپر، «کوهستان و مثلث روبه بالا اصلی مذکر است و این نقشمایه را می‌توان نمادی شمسی، سمبل [نشانه] زندگی آتش و شعله تلقی کرد» (کوپر، ۱۳۸۶، ۳۴۴).

بر این اساس شکل تلخیص شده ارتباط کوه-درخت را که هر دو دارای مفهوم کیهان شناختی می‌باشند می‌توان، در برخی از نقوش و نقشمایه‌های فرعی فرش‌های معاصر ایرانی نیز جست‌وجو کرد. این نقشمایه‌های هندسی، در قالی‌های روستایی- عشایری ایران هم وجود دارند.

تصویر ۱۶، مربوط به نمونه‌ای دیگر از قالی چهارمحال بختیاری، متعلق به اواخر سده ۱۳ ه.ش است. در این قالی، درخت انتزاعی در حالی که دو پرند بر شاخه‌هایش نشسته و دو حیوان آن را احاطه کرده، بر روی آرایه مثلثی شکل دیده

پشت به پشت و به هم چسبیده، تشکیل شده است. این نوع تزئین درخت نیز با مفهوم نمادین آن هماهنگ است.

درخت سرو که درخت زندگی است به گیاهان و حیوانات حیات می‌بخشد از این رو با آن‌ها در آمیخته است. تصویر ۱۴، مربوط به طرح درخت و کوه در قالی فراهان- ساروق متعلق به اواخر سده ۱۳ ه.ش است که در حال حاضر جزو اموال موزه فرش ایران محسوب می‌شود و احتمالاً از طرح باغ بهشت الهام گرفته شده است. (دادگر، ۱۳۸۰، ۱۶). در این نمونه تصویری واقع‌گرایانه از درخت، نشانه‌های دالبری نیز بزرگ‌تر و پهن‌تر ترسیم شده‌اند. نمونه دیگری از ارتباط کوه و درخت را می‌توان در قالی ملایر مشاهده کرد. در این قالی درخت سرو میانی بر روی نشانه‌های دالبری قرار گرفته، در حالی که دو درخت سرو آن را در میان گرفته‌اند و دو طاووس محافظ درخت هستند. نشانه‌های پولکی، شکلی از کوه را تداعی می‌کند. (تصویر ۱۵) در این قالی نیز طراحی درخت زندگی و کوه، شکلی هندسی به خود گرفته، اما سنت

می‌شود. این نقش قابی یا خشتی، رویش درخت را بر روی نقشمایه مثلثی شکل و گل‌های انتزاعی به نمایش گذاشته است. در قابی که زمینه آن سبزرنگ است، دو شیر نگهبان این درخت هستند. (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۱۳۶) جیمز اپی، این نقشمایه‌ها را نمونه ابتدایی از نقشه باغی می‌داند. (Opie, 1998, 146)

در گلیم کرد قوچان، متعلق به اواخر سده ۱۳ ه.ق، گیاه استلیزه بر پایه‌ای مثلثی شکل قرار دارد، در حالی که دو پرندۀ آن را احاطه کرده‌اند. (تصویر ۱۷ الف) در نوار پایینی گلیم، این گیاه میان دو بزسان که به شکل هندسی طراحی شده‌اند، دیده می‌شود. (همان، ۱۶۷) (تصویر ۱۷ ب) این ترکیب‌ها یادآور سنت تصویرگری ساسانی است. پیوندهای سه‌گانه مقدس در این فرش‌ها به چشم می‌خورد، سنتی که ریشه در هزاره‌های کهن تاریخ باستان دارد. (تصویر ۱۷)

نمونه زیبای دیگری از نماد مثلثی شکل به نشانه کوه را می‌توان در قالی بختیاری مشاهده کرد. نقشمایه‌های اصلی این قالی معروف به درخت زندگی است. (Sakhai, 2008, 258)

در تصویر ۱۸، نماد مثلثی شکل در پای درخت سرو قرار گرفته و تلقی آن به عنوان درخت زندگی اصل ارتباط این درخت با کوه مقدس در شکل ظاهری یک مثلث را تقویت می‌کند. این نوع طرح‌ها در فرش‌های ایرانی تکرار می‌شوند.

بافنده به طور تقلیدی طرحی را تکرار می‌کند که از نظر شمایی ریشه در تاریخ هنر باستانی ایران و از نظر مفهوم نمادین، ریشه در فرهنگ تصویری کهن ایران دارد. به هر شکل مفهوم حیات، فراوانی و برکت از مفاهیم نمادین این مجموعه نقوش است که تا به امروز هم همراه این نقشمایه‌ها باقی‌مانده است؛ به طوری که آن را با نام طرح درخت زندگی می‌شناسند.



تصویر ۱۸ - قالی بختیاری با طرح درخت زندگی، اواخر سده سیزده ه.ش، ماخذ: Sakhai, 2008, 258

جدول ۱ - نماد کوه و درخت در اسطوره، هنر باستانی، هنر اسلامی و فرش ایرانی و تداوم حیات تصویری دو نماد کوه و درخت در فرش معاصر ایران

کهن الگو	اسطوره ایران	هنر باستانی ایران	هنر دوره اسلامی در ایران	فرش‌های معاصر ایران
کوه و درخت	درخت بس تخمه و درخت کیهانی مرتبط با کوه مقدس درخت گوگرد و درخت زندگی مرتبط با کوه مقدس	مُهری از شوش هزاره سوم ق.م ظرف ساسانی	شاهنامه اصفهان سده ۱۱ ه.ق پارچه زربفت سده ۱۱ ه.ق شال کمر ابریشمی دوره صفوی آویز چاپی سده سیزدهم ه.ق پارچه قلم‌کار بروجن پارچه قلم‌کار بروجن ۱۳۷۷	قالی شهر بابک ۱۳۳۹ ه.ش قالی افشار اواخر سده ۱۳ ه.ش قالی نور آباد ۱۳۴۰ ه.ش قالی ساروق - فراهان اواخر سده ۱۳ ه.ش قالی ملایر اواخر سده ۱۳ ه.ش قالی بختیاری اواخر سده سیزده ه.ش. گلیم کرد قوچان اواخر سده سیزده ه.ش قالی بختیاری اواخر سده سیزده ه.ش.

نتیجه

درخت و کوه عناصری اند که در آثار هنری ایران و به ویژه بر فرش‌های معاصر ایرانی (صد سال اخیر) ترسیم شده‌اند. درختی که بر آرایه مثلثی شکل به عنوان نماد کوه قرار گرفته، گاه به شکل سرو، گاه درخت

تداوم حیات نماد کوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی

جدول ۲- تداوم حیات نمادکوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی

کهن الگو	آثارباستانی ایران	آثار دوره اسلامی	فرش‌های معاصر ایران
کوه و درخت	  <p>تصویر نقشمایه کوه و درخت در مهری از شوش و ظرف ساسانی، نشانه‌های دالبری که به شکل مثلث قرار گرفته‌اند نماد کوه است و درخت سرو و درخت شاخ و برگ دار بر فراز آن، این نقشمایه با حضور حیوانات و گیاهان محافظ آن.</p>	 <p>تصویر واقع گرایانه کوه و درخت در آثار دوره اسلامی</p>  <p>تکرار سنت تصویرگری کهن کوه و درخت در دوره اسلامی، ترسیم کوه با نشانه‌های دالبری و حضور درخت سرو و درخت شاخ و برگ دار بر فراز آن، این صحنه با حضور محافظان حیوانی و گیاهی تکمیل شده است.</p>	 <p>تصویر واقع گرایانه کوه و درخت در فرش معاصر ایران با خطوط منحنی و شکسته، همراه با محافظان حیوانی و گیاهی.</p>  <p>تکرار سنت تصویرگری کوه و درخت با خطوط هندسی، نشانه‌های دالبری نماد کوه و درخت سرو بر فراز آن همراه با محافظان شان.</p>  <p>تصویر کوه و درخت در قالی معاصر ایران، کوه به شکل مثلث تصویر شده است و درخت برگ دار و سرو به شکل هندسی طراحی شده‌اند.</p>

شاخ و برگ‌دار و گاه به شکل واقع‌گرایانه طراحی شده و در مواردی نیز شکل هندسی دارد. کوه نیز اغلب به صورت یک مثلث و بیش‌تر به شکل مثلثی متشکل از آرایه‌های دالبری شکل دیده می‌شود. این ترکیب در اغلب موارد همراه با گیاهان و حیوانات محافظ است. می‌توان این مجموعه نمادها در فرش‌های معاصر ایران را از نظر تصویری با نمونه‌های کهن آن در تاریخ هنر تصویری ایران مقایسه کرد و آن را تداوم یک سنت تصویری دانست. این نمادها علاوه بر صورت ظاهری که نوعی برداشت انتزاعی از طبیعت است، از مفاهیم نمادین نیز برخوردارند بررسی اسطوره‌های ایرانی نشان می‌دهد در پس این ارتباط نمادین، مفهوم فلسفی دینی، باروری، برکت و حیات بخشی نهفته است. بدین سان اسطوره‌ها از درخت زندگی یاد می‌کنند که میوه آن باعث حیات جاوید می‌شود و درخت کیهانی رابط میان آسمان و زمین است و به عنوان مرکز جهان، سرچشمه حیات و زندگی است. این دو درخت مقدس بر روی کوه مقدس نیز توصیف شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد نقشمایه درخت و کوه که از دوره ایلامی در آثار هنری ایران به چشم می‌خورد، در دوره اسلامی نیز ادامه داشته و نمونه‌های زیبایی از آن بر روی فرش‌های معاصر ایرانی دیده می‌شود. دو نماد کوه و درخت، بیان‌گر مفاهیم مقدسی‌اند که برکت، باروری و

منشأ حیات یکی از اصلی‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود. تصویرگری نقشمایه‌های کوه و درخت در برخی از فرش‌های معاصر ایرانی قابل‌قیاس با نمونه‌های کهن ایلامی است، همچنین روایتی از مکان مقدس اسطوره‌ای است که ضرباهنگ‌های آفرینش در آن جریان دارد، این موضوع با رجوع به باورهای کهن مردم این سرزمین که در متون مقدس و اسطوره‌ها آمده، قابل بررسی است.

منابع و ماخذ

- الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- بیکر، پاتریشا، منسوجات اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- پوپ، آرتر آپهام و فیلیس اکرم، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، سیروس پرهام و گروه مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- دادگر، لیلیا، فرش‌های درختی موزه فرش ایران، ترجمه زهرا راحت ورنوسفادرانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰.
- عابد دوست، حسین، آیت‌اللهی، حبیب‌الله، تحلیل مفهوم نمادین صحنه نبرد شیر و گاو بر فرش‌های ایرانی، همایش ملی هنر، فرهنگ، تاریخ و تولید فرش دستباف ایران و جهان، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ۱۳۹۰.
- فرنخ دادگی، بهار، مهرداد، فرنخ، بندهش، نشر توس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- قلی زاده، خسرو، فرهنگ اسطوره‌ها ایرانی بر پایه متون پهلوی، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- کاظم پور، زیبا، بهار مختاریان، بررسی درخت‌زندگی در هنر ایران و نمود آن بر فرش‌های ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۸۹.
- کوپر، جی‌سی، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر نو، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- گانزرویدن اروین، قالی ایران شاهکار هنر، ترجمه فیروزه میرعماد، سازمان اتکاو افسیس دولیور فریبورگ سوییس، تهران، ۲۵۳۷.
- گویری، سوزان، آنهایتا در اسطوره‌های ایرانی، نشر ققنوس، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- گلدک، جی و لومی هیرامو تو گلدک، سیری در صنایع دستی ایران، مترجم یوسف خوش‌کیش، انتشارات بانک ملی ایران، تهران، ۱۰ اسفندماه، ۱۳۵۵.
- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، به ترجمه ژاله آموزگار و افزوده‌های باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- Britannica, Encyclopedia of Art 1 , The Royal Standard of ur, Page 1999.
- D'Alviella, Count Eugene Goblet , Senator and member of the Royak Academy of Belgium, published by A. Constable and co. Westminster, London, 1894.
- James, E.O, Tree of life, Studies in the history of religions, E.j. Brill. Leiden 1966.
- Opie, James, triblerugsacompleteguide to nomadic and village carpets, Bulfincher 1998.
- Sakhai ,Esse, Persian Rugs and Carprts, The Fabric of Life , Edited by jan Bennett, Antique Collector, s Club, 2008.